


LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 15 (54), 2025 Publisher: Islamic Azad University – Najafabad Branch https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit ISSN: 2717-0896 Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1200985	
----------	--	---

Research Article

Received: 2 January 2025

Revised: 21 February 2025

Accepted: 15 March 2025

Online Publication: 21 March 2025

Semantic Analysis of the Symbol of Love in Gheysar Aminpour's Poems

Shakib Davoodi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)
 E-Mail: Shakibdavoodi1376@gmail.com

Abstract

The word love in contemporary poetry has found a meaning other than its apparent or even symbolic meaning in mystical literature. This word no longer refers to individual emotions in an explicit and individual sense, nor to divine and heavenly meanings in a symbolic and mystical sense. Love has been used many times in the concept of freedom in contemporary poetry. One of the most famous contemporary poets who has always paid special attention to the category of freedom in his poems is Gheysar Aminpour. In this research, with a semantic approach based on Lakoff and Johnson's theory, we will examine examples of the conceptual metaphor of love in the poems of this contemporary poet and answer the question: "What are the metaphorical mappings and common features of love and freedom in Gheysar Aminpour's poems?" The results of this research show that Caesar used the symbol of love in the concept of freedom a total of 30 times. From this frequency, he proposed 15 different mappings for this symbolic relationship. The origin of these metaphorical maps are concrete concepts such as: life, pain, fever, office, street, seed, etc. And among the common features between love and freedom, in his opinion, we can mention: being transferable and teachable, burning and building, giving pain and healing, lasting and pleasurable, etc.

Keywords: Love, freedom, Gheysar Aminpour, semantics, symbol.

Citation: Davoodi, Sh. (2025). Semantic Analysis of the Symbol of Love in Gheysar Aminpour's Poems. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 15 (54), 88-103. Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1200985

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۴

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۱۰۱۹

Sanad.iau.ir/journal/lyriclit

Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1200985



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱/۱

مقاله پژوهشی

تحلیل معناشناختی نماد عشق در اشعار قیصر امین‌پور

شکیب داودی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

Shakibdavoodi1376@gmail.com

چکیده

واژه «عشق» در شعر معاصر، مفهومی جز معنای ظاهری و یا حتی نمادین خود در ادبیات عرفانی یافته است. این واژه دیگر نه در ساحتی صریح و فردی به عواطف فردی دلالت دارد، و نه در ساحتی نمادین و عرفانی به معانی الهی و آسمانی. عشق در شعر معاصر بارها در مفهوم «آزادی» به کار رفته است. یکی از مشهورترین شاعران معاصر که همواره در اشعار خویش به مقوله آزادی توجه ویژه داشته، قیصر امین‌پور است. در این پژوهش بنا داریم با رویکردی معناشناسانه بر اساس نظریه لیکاف و جانسون، مصادیق استعاره مفهومی عشق را در اشعار این شاعر معاصر بررسی کنیم و با روش توصیفی-تحلیل به کمک منابع کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ دهیم که «نگاشت‌های استعاری و ویژگی‌های مشترک عشق و آزادی در اشعار قیصر امین‌پور کدامند؟» نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که قیصر مجموعاً سی بار از نماد عشق در مفهوم آزادی بهره یافته است. از این بسامد او پانزده نگاشت گوناگون برای این رابطه نمادین مطرح کرده است. نگاشت‌های استعاری عشق و آزادی در اشعار قیصر را می‌توان به دو دسته متداول و ابداعی تقسیم کرد، به نحوی که او از تجربه جمعی غنایی و عرفانی شعر فارسی نگاشت‌هایی چون: عشق آتش است، عشق جاندار است، عشق درد است را اتخاذ کرده و به منظور تبیین مفهوم تازه خود از عشق به کار می‌برد. از سوی دیگر بر اساس تجارب سیاسی-اجتماعی روزگار خود و نیز تجارب فردی‌اش از شعر و ادب فارسی، نگاشت‌هایی چون: عشق سنگ گور است و عشق نام است را در دلالت بر مفاهیم جنگ و شهادت و شهدای راه آزادی، و نگاشت‌هایی مثل: عشق دفتر است، عشق دستور زبان است، و عشق خواهر (همخون) است را بر اساس خلاقیت خود و باز هم برای تبیین عقاید و آرمان‌های اجتماعی و تجارب زیسته خود در روزهای انقلاب و جنگ تحمیلی ابداع می‌کند.

کلیدواژه‌ها: عشق، آزادی، قیصر امین‌پور، معناشناسی، نماد، استعاره مفهومی، لیکاف و جانسون.

نحوه ارجاع به مقاله:

داودی، شکیب (۱۴۰۴). تحلیل معناشناختی نماد عشق در اشعار قیصر امین‌پور. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۵ (۵۴)، ۱۰۳-۸۸.

Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1200985

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



۱. مقدمه

ادبیات اجتماعی معاصر به پاس رویدادها و پدیده‌های اجتماعی-سیاسی گوناگون در تاریخ معاصر ایران، بستر گسترده‌ای برای گرایش‌های فکری و ادبی مختلف بوده است. از مهم‌ترین مکاتب ادبی که در پی این رخدادها در ادبیات معاصر فارسی ایجاد شد، مکتب سمبولیسم اجتماعی است که توسط نیما و به تأثیر از مکتب سمبولیسم اروپایی به وجود آمد. بیان صریح موضوع اغلب از لذت شعر و شاعرانگی آن برای مخاطب می‌کاهد. حال اگر آن موضوع اسرار عرفانی یا دل‌گرفتگی‌های عاشقانه و به‌خصوص انتقادات و ایستادگی‌های اجتماعی سیاسی باشد، ممکن است از لذت و رغبت بیان آن برای شاعر نیز کاسته شود. به همین سبب در دوره معاصر و به تأثیر از مکتب سمبولیسم اروپایی جریان شعری نمادگرایی اجتماعی به راه افتاد. از طرفی، ادبیات پایداری از نظر اجتماعی سیاسی اهداف و رویکردهایی مانند جریان نمادگرایی اجتماعی دارد. هر چند باید ادبیات پایداری را گونه‌ای از انواع ادبی دانست، اما به سبب ارتباط تنگاتنگ این نوع ادبی با شرایط و اوضاع اجتماعی و خفقان‌های سیاسی و جهل و ناآگاهی‌های عمومی و همچنین از طرف دیگر، ویژگی در پرده رمز و ابهام گفتن و پرداختن به انتقادات و اعتراضات و آرمان‌ها و عقاید، پوشیده از شر دشمنان و حاکمان ظالم و مردم جاهل و دیگر دلایل، جامعه کمتر اجازه ظهور این گونه ادبی را داده است و ناچار در لایه زیرین انواع ادبی دیگر مانده است (قلی‌پوری و همکاران ۱۴۰۰: ۴). بنابراین شاعران و نویسندگانی که مفاهیم اجتماعی و مؤلفه‌های ادبیات پایداری را در اشعار خود جای داده‌اند، گاه نه با بیانی صریح، بلکه با استفاده از نمادهای گوناگون، مفاهیم و ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی و سیاسی خود را منتقل کرده‌اند. پس در ادب معاصر، افزون بر نمادهای عرفانی و حماسی گذشته، با مفهومی تازه از نمادها، یعنی «نمادهای پایداری» مواجه هستیم. در این پژوهش، به یکی از نمادهای پرکاربرد پایداری در شعر اجتماعی معاصر، یعنی نماد «عشق» می‌پردازیم و با بررسی و تحلیلی معناشناختی نگاشت‌های مختلف استعاره مفهومی عشق، و همچنین ویژگی‌های مشترک عشق و آزادی را به مثابه دال و مدلول یک رابطه نمادین، در اشعار یکی از مشهورترین شاعران معاصر، یعنی قیصر امین‌پور تبیین خواهیم کرد.

۱-۱. اهمیت و اهداف پژوهش

آنچه از ادبیات پایداری و مؤلفه‌های آن در ذهن عامه مردم موجود است، صورت صریح و مستقیم آن است؛ در حالی که موضوع نمادگرایی در ادبیات پایداری موضوعی به شدت قابل تأمل و تأثیرگذار است. تلاقی مبانی تاریخی-سیاسی و همچنین انطباق بازه زمانی گسترش ادبیات پایداری معاصر با جریان سمبولیسم اجتماعی، باعث می‌شود که نگاهی عمیق‌تر به مؤلفه‌ها و آثار پایداری داشته باشیم. از این رو، بررسی نمادهای پایداری در شعر شاعران معاصر امری مهم و قابل توجه به نظر می‌رسد. واژه عشق را باید واژه‌ای نمادین در ادبیات اجتماعی و پایداری معاصر دانست که در اغلب موارد به مفهوم آزادی دلالت دارد. در این پژوهش با نگاهی معناشناختی در پی پاسخ دادن به پرسش‌های ذیل هستیم:

۱- نگاشت‌های استعاری قیصر امین‌پور در راستای مفهومی سازی استعاره عشق کدامند؟

۲- در اشعار او قلمرو مقصد انتزاعی عشق، به واسطه کدام قلمرو مبداهای عینی تبیین و تفهیم می‌شوند؟

۳- ویژگی‌های مشترک «عشق» و «آزادی» در جایگاه دال و مدلول یک رابطه نمادین در شعر قیصر، از منظر معناشناسی کدامند؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

پیش از این پژوهش‌هایی با رویکرد معناشناسی شناختی به بررسی نگاشت‌های استعاری عشق در شعر شاعران فارسی پرداخته است. از جمله مقاله «تحلیل شناختی استعاره عشق در غزلیات صائب تبریزی» که توسط علی‌نژاد و آری‌پور در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است یا مقاله «چگونگی مفهوم‌سازی عشق در دیوان عنتره‌ابن‌شداد با رویکرد شناختی» که میرزایی‌الحسینی،

پورابراهیم، و فتحی ایرانشاهی چاپ کرده‌اند. همچنین مقاله «معناشناسی مضمون عشق در سروده‌های میرزاده عشقی و نقش آن در بیان مضامین سیاسی-اجتماعی» اثر محمدی و کولیوند منتشر شده در سال ۱۳۹۴. سابق بر این مقالاتی در خصوص نمادپردازی شاعران معاصر در راستای تبیین مؤلفه‌های ادبیات پایداری نگاشته و منتشر شده است. از آن جمله مقاله «تحلیل و بررسی سمبل‌های اجتماعی در سروده‌های امیر هوشنگ ابتهاج»، اثر محمدی و کولیوند که در سال ۱۳۹۰ منتشر شد. مقاله «نماد نقاب و اسطوره در شعر پایداری قیصر امین‌پور» که توسط روشنفکر، قبادی و زارع برمی در سال ۱۳۹۳ منتشر شد. مقاله دیگری با عنوان «تحلیل نمادهای شعر پایداری در اشعار احمد شاملو بر پایه نقد اسطوره‌شناختی» اثر فیروزی، اسماعیل‌پورمطلق و وفایی که در سال ۱۳۹۸ منتشر شد. مقاله «اعتراض اجتماعی در شعر قیصر امین‌پور» نوشته فلاحی. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «آزادی عنصر غالب غزل‌های نمادین حسین منزوی» نوشته مدرسی و کاظم‌زاده که در سال ۱۳۹۰، و نیز مقاله‌ای از نگارنده با همکاری باقریان تحت عنوان «تحلیل مؤلفه آزادی در اشعار حسین منزوی و قیصر امین‌پور» که در سال ۱۴۰۰، از دیگر پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر هستند، اما با این حال بررسی مفهوم نمادین عشق به عنوان نماد آزادی در اشعار شاعران معاصر، آن هم قیصر امین‌پور و با رویکردی شناختی موضوعی تازه به نظر می‌رسد و تنها یک مقاله از نگارنده با همکاری صفری و فروزنده، با عنوان «معناشناسی و تحلیل مفهوم عشق به مثابه آزادی در اشعار حسین منزوی» که نشریه پژوهش‌های معناشناختی متون ادبی منتشر شده است، هم‌راستا و منطبق با موضوع این پژوهش وجود دارد، که آن مقاله نیز از نظر جامعه آماری و شاعر مورد پژوهش، در تفاوت با پژوهش حاضر است.

۱-۳. مبانی نظری

زاویه تحلیل و مبنای نظری این پژوهش، رویکرد معناشناسی شناختی است که نخستین بار توسط جورج لیکاف و مارک جانسون در سال ۱۹۸۰ میلادی در کتابی با عنوان «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم» مطرح شد. مطابق این نظریه اساس استعاره‌ها مفاهیم هستند نه واژگان. استعاره‌ها عموماً براساس تشابه نیستند، بلکه بر مبنای تجربه‌های محیطی میان دو حوزه مفهومی متفاوت شکل می‌گیرند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۴ به نقل از: علی‌نژاد و آری‌پور: ۱۴۰۲). لیکاف معتقد است که «تجارب ما به دو حوزه عینی و انتزاعی تقسیم می‌شوند. مفاهیم شناختی، به طور اخص استعاره‌های مفهومی به ما کمک می‌کنند تا حوزه‌های انتزاعی را از طریق فرافکنی در حوزه‌های عینی بهتر درک کنیم. بنابراین دو حوزه یا قلمرو مدنظر است؛ اولی قلمرو مبدأ، و دیگری قلمرو مقصد. رابطه میان این دو قلمرو به شکل تناظرهایی صورت می‌گیرد که نگاهت نام دارد» (لیکاف، ۱۹۸۷: ۲۷۶ به نقل از همان).

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مؤلفه‌های ادبیات اجتماعی و پایداری

مؤلفه‌های ادبیات پایداری و اجتماعی از آغاز تا کنون بارها و بارها مورد تغییر و گسترش و کاهش قرار گرفته‌اند و می‌توان رابطه و تناسب مستقیمی میان کمیت این مؤلفه‌ها در ادوار مختلف تاریخ، با رواج این گونه ادبی در یک دوره تاریخی قائل شد؛ به نحوی که هرچه ادبیات پایداری در یک دوره بیشتر رواج یافته، مؤلفه‌های آن نیز در آن دوره بیشتر و وسیع تر شده است و هرچه در یک دوره کمتر به ادب پایداری توجه یا نیاز بوده است، طبیعتاً مؤلفه‌های آن نیز کاهش یافته است. با این توضیح که برخی از مؤلفه‌های پایداری، به طور فطری و ذاتی در تمام جوامع بشری در همه ادوار موجود بوده است و فقط گاه کم‌رنگ یا پررنگ‌تر می‌شوند؛ برخی از مؤلفه‌ها وجود داشته و در دوره‌ای متناسب با ارزش‌های جامعه حذف شده یا تغییر می‌کنند و برخی از مؤلفه‌ها یا محدود بوده و گسترش یافته‌اند و یا کلاً پیش از یک دوره خاص وجود نداشته و از آن به بعد به وجود آمده‌اند.

بنابراین در ادوار تاریخی مختلف، می‌توان مؤلفه‌های مختلفی برای ادب پایداری فرض کرد. برای مثال مؤلفه‌های اصلی ادبیات پایداری در شاهنامه و اشعار ناصر خسرو، خردگرایی و بیگانه‌ستیزی با تکیه بر عنصر زبان و عناصر هویت ملی و اندیشه‌های شیعی است (ر.ک. صفری و ظاهری، ۱۳۹۴). در شعر حافظ خرافه‌ستیزی، نقد ریا و تزویر، انتقاد از فساد و ظلم حکام و مانند آن مؤلفه پایداری است. در دوران مشروطه مؤلفه‌هایی مثل استبدادستیزی، استعمارگریزی، آزادی‌خواهی و تجدیدگرایی ایجاد شده و مؤلفه‌هایی مثل وطن‌پرستی، بیگانه‌ستیزی، ظلم‌ستیزی، نقد فساد و نظایر آن گسترش و توسعه می‌یابند. در دوره دفاع مقدس نیز با مؤلفه‌هایی مثل جنگ، شهادت، ایثار، دین‌مداری و همچنین وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی مواجه هستیم. «بررسی مؤلفه‌های پایداری و رصد آن در آثار ادبی، یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تحقیق در ادبیات پایداری به حساب می‌آید.» (کافی، ۱۴۰۰: ۵). از آنجا که مقوله آزادی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری، به ویژه در ادبیات معاصر است، بنابراین در ادامه این پژوهش سعی داریم با بیان تعریف و شرحی کوتاه از این مؤلفه پایداری، به بررسی و تحلیل مصادیق نماد «عشق» در مفهوم آزادی، در اشعار شاعر مشهور معاصر یعنی قیصر امین پور بپردازیم.

۱-۱-۲. مقوله آزادی

یکی از مهم‌ترین و کلی‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری، آزادی و آزادگی است. این واژه در لغت مفاهیم متعدد و وسیعی می‌یابد، و از آن جمله‌اند: خلاف بندگی، متضاد اسارت، حریت، آزادمردی، رهایی و خلاصی، اختیار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب و ... و در اصطلاح می‌توان گفت: «آزادی یعنی رهایی از موانع. موانعی که بر سر راه انسان قرار می‌گیرند و او را از رسیدن به مقصود باز می‌دارند.» (یوسفیان، ۱۳۸۵: ۴). این واژه در «فرهنگ سنتی گذشته دو معنی عمده داشته، در مفهوم فلسفی و کلامی آن مرادف بود با حریت و اختیار که مفهوم نقیض جبر را به یاد می‌آورد و در معنای فردی و عرفی آن در برابر بند و زندان قرار گرفت» (یاحقی، ۱۳۷۴: ۱۶) که البته در ایران از زمان انقلاب مشروطه «به عنوان واژه‌ای کلیدی به همراه دو واژه قانون و کارگر در ادبیات مورد توجه قرار گرفت.» (ابراهیم‌تبار، ۱۳۹۶: ۱۶) و در هر دو مفهوم خود به کار برده شد، هم به معنای آزادمردی و حریت، و هم به معنای رهایی از بند زندان، و در هر دو معنا نیز به اشکال و انواع مختلف خود از جمله آزادی‌های انسانی-فطری، حقوقی-اخلاقی، اجتماعی-سیاسی، و انواع آزادی‌های فردی دلالت دارد. در واقع، می‌توان گفت مفهوم آزادی در شعر معاصر «تقریباً با مفهوم دموکراسی غربی نزدیک می‌شود و بر روی هم به این معنی است که مردم علاوه بر اینکه از نظر فردی حقوق و آزادی‌هایی دارند، از نظر اجتماعی نیز مختارند سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود و سرزمین خود را معین کنند» (طغیانی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

در عرصه‌ای دیگر نیز که مفهوم آزادی «چهره بسیار زیبایی از خویش به نمایش گذاشته عرصه تصوف و عرفان است. [...] در این عالم به رها شدن از قیود بازدارنده و رفتن به سوی معبود و با او یکی شدن، با زیر پا نهادن همه خواهش‌ها و وابستگی‌ها ...» (همان: ۱۳۸) دلالت دارد که البته ممکن است در شعر معاصر کمتر از مفهوم آزادی چنین تعبیری را انتظار داشته باشیم. بنابراین روی هم رفته برای مفاهیمی که واژه گسترده آزادی به آن‌ها دلالت دارد، سه حالت در نظر گرفته‌اند:

۱- آزادی در مفهوم دموکراسی و معنای سیاسی اجتماعی معاصر خود (آزادی از بند دشمن داخلی)؛

۲- آزادی در مفهوم لغوی و کهن خود (آزادی از بند زندان و یا دشمن خارجی)؛

۳- آزادی در مفهوم عرفانی خود (آزادی از بند نفس) (همان) و (ر.ک. داودی، ۱۴۰۰: ۲)

بنابراین بدیهی است که با این نگاه کلی، مؤلفه آزادی، مؤلفه‌های دیگری را نیز در بر می‌گیرد. به نحوی که آزادی در برابر دشمن خارجی، شامل مؤلفه‌های استقلال‌طلبی و استعمارگریزی، آزادی در برابر دشمن داخلی، شامل مؤلفه‌های انقلاب و استبدادستیزی، و آزادی در برابر نفس شامل مؤلفه‌هایی چون پرهیزگاری، مرگ‌اندیشی، سلوک، قیامت و انتظار نیز می‌شوند.

در ادامه این بخش به بررسی کاربرد نماد عشق در راستای دلالت بر مفهوم آزادی، در اشعار یکی از سرشناس‌ترین شاعران معاصر، یعنی قیصر امین‌پور خواهیم پرداخت و مصادیق استفاده از این نماد پایداری را به دقت مرور می‌کنیم.

۱-۲. معنانشناسی «عشق» به مثابه «آزادی» در اشعار قیصر امین‌پور

عشق در شعر معاصر (چنان که قبلاً گفته شد) معنایی سمبلیک به خود گرفته است و اغلب به مفهوم آزادی دلالت دارد. اگرچه اولین کسی که عشق را آزادی می‌پندارد، هوشنگ ابتهاج است و می‌گوید: «عشق شادی است، عشق آزادی است...»، اما باید منزوی را مجری حقیقی این دیدگاه دانست و به‌کارگیری سمبل عشق در مفهوم آزادی برای نخستین بار را ابداع حسین منزوی شمرد (ر.ک. داودی و دیگران، ۱۴۰۳). این سمبل اگرچه از ابداعات منزوی معرفی شد و جزو سمبل‌های تأسیسی قرار گرفت، اما پس از او و برای دیگر شاعران معاصر سمبلی توسیعی و فرهنگی قلمداد می‌شود. در اشعار قیصر امین‌پور نیز نماد «عشق» مجموعاً سی بار استفاده شده است و به مفهوم «آزادی» دلالت دارد. چنان‌که خود او نیز بر این دلالت مجازی یا حتی نمادین واژه عشق بر مفهومی غیر از مفهوم ظاهری (یا به اصطلاح علمای بلاغت، غیر ماوُضِعْ له) اشاره می‌کند و می‌گوید:

ای حقیقی‌ترین مجاز ای عشق ای همه استعاره‌ها با تو

(امین‌پور، ۱۴۰۱: ۱۹۱)

طبیعتاً عشقی که در این بیت قیصر مدنظر او است، عشق در معنای ظاهری و سنتی صرف آن نیست. عشق در جایی شور و شوق انقلابی و آزادی‌خواهانه است، و درجایی فرهنگ رشادت و شهادت. عشق حتی از نمادهای ادب عاشورایی و استعاره از امام حسین(ع) نیز هست که بر همان فرهنگ حریت و آزادگی دلالت دارد و در مجموع می‌توان گفت عشق دوره قیصر و دیگر شاعران معاصر، به قول منزوی: «یک مسئله روزمره نیست. عشق یک همیشه است، ولی اضافه می‌کنم که عشق من و شما که با منید با عشق حافظ فرق‌های بسیاری دارد.» (منزوی، ۱۳۹۹: ۳۶). در ادامه این پژوهش نگاهی استعاری واژه «عشق» در اشعار قیصر امین‌پور را از منظر معنانشناسی شناختی واکاوی خواهد شد و با بیان ویژگی‌های مشترک «عشق» و مفهوم «آزادی» به تبیین ارتباط دال و مدلول این رابطه نمادین خواهیم پرداخت.

۱. عشق زبان است

نگاشت شاعری عشق زبان و دستور است، از ابداعات قیصر امین‌پور در مواجهه با معنادهی و ایجاد استعاره مفهومی در راستای تبیین این واژه است. قیصر قلمرو مبدأ احساسی و عینی زبان و دستور را، به قلمرو مقصد انتزاعی عشق مرتبط می‌دارد و از این طریق خواستار ایجاد تصویر و درک بیشتر عشق در ذهن مخاطب است، اما آیا منظور قیصر دقیقاً معنای عشق، در همان معنای ظاهری آن است؟ موضوع اول بیت دوم است که نگارنده به عمد در ادامه این بیت آورده است. تلاقی واژگانی چون تیغ، تیز، مست، و کف، به هیچ عنوان ذهن را به سمت عشق و شیدایی عاطفی مجنون‌گونه هدایت نمی‌کند، بلکه برعکس به نوعی حس شجاعت، جهاد، جنگاوری، و مستی در معنای آگاهی را متبادر می‌نماید. بنابراین تلاقی این تصاویر با عشق، مخاطب را به این نکته می‌رساند که عشقی که قیصر از آن به عنوان دستور زبانی خاص یاد می‌کند، عشق در مفهوم سنتی و صرف آن نیست، بلکه بیشتر نوعی عشق جهادی و شجاعانه‌تر و اجتماعی‌تر است. از طرف دیگر، در شعر قیصر واژه‌هایی چون مکتب، مدرسه، دفتر، درس و ... بارها در مفهوم آزادی به کار رفته‌اند، بنابراین هیچ بعید نیست که او برای تبیین مفهوم آزادی، از ترکیب «دستور زبان» نیز بهره بیاورد. بنابراین عشق دستور زبان است، عشق آزادی است: پس آزادی نیز دستور زبان است. دستور زبانی که شاعر و هم‌نسلانش که سرمستان راه حقیقت هستند، تنها آن را فراگرفته و از بر می‌کنند:

آن که دستور زبان عشق را بی‌گزاره در نهاد ما نهاد

خوب می‌دانست تیغ تیز را در کف مستی نمی‌بایست داد

(امین‌پور: ۳۴)

ویژگی مشترک میان عشق و آزادی که آن‌ها را به دستور زبان مشابه می‌کند، فراگیری، آموزش‌پذیری و قابلیت انتقال و تسری است؛ چه فرهنگ آزادی و آزادی‌خواهی در عصر شاعر مانند یک دست‌ورزبان توسط معلمی دیکته می‌شد و واژه واژه میان بچه‌های این مکتب (به تعبیر مکرر خود قیصر) انتقال می‌یافت و نگاشته می‌شد.

۲. عشق جاندار است

نگاشت استعاری «عشق جاندار است» از پرکاربردترین نگاشت‌های این استعاره مفهومی است. عشق را از آن جهت که هویت‌دار و هویت‌بخش است، یا به اعتبار اینکه پویا و زنده است و یا به سبب آن که قابلیت رشد و پیشروی دارد، جاندار انگاشته‌اند. مطابق این تشخیص و جان‌بخشی، قلمرو مبدأ عینی جاندار به قلمرو مقصد انتزاعی عشق دلالت دارد و درک این استعاره مفهومی را برای مخاطب تسهیل می‌کند. قیصر چهار بار از این نگاشت استعاری بهره می‌یابد و عشق را جاندار، صاحب اراده و اجزای جسمانی فرض کرده است؛ اما تدقیق بیشتر در فحوای کلام او موضوع دیگری را آشکار می‌سازد. عشقی که او جاندار می‌داند، برداشت ساده و ظاهری عشق نیست، بلکه مفهومی است که در برابر دورباش‌ها و کورباش‌ها قرار می‌گیرد که خود رمز ظلم و زور و استبداد و سلطه‌گری است. استبدادی که چون خار و خنجر، در چشم آزادی که عشق امروز شاعر است فرورفته و آن را کور کرده است. همچنین در بیتی دیگر، قیصر از عشق گله دارد که سری به خانه او نزده است. خانه در ادب معاصر نماد و رمز میهن است. ضمیر «ما» تصدیقی است بر این مفهوم نمادین. خانه ما مفهومی اجتماعی است که بر میهن و جامعه شاعر دلالت دارد. بنابراین و بالطبع عشق نیز در پیکره اجتماعی این شعر نمی‌تواند عشقی فردی و ظاهری باشد. بنابراین این عشق اجتماعی که به جامعه مستبد و ظلم‌زده شاعر سری نزده است، همانا آزادی است. پس در ضمن این نگاشت استعاری، نگاشت «آزادی جاندار است» نیز نهفته است. سبب این نگاشت استعاری چنانچه در ابیات ذیل از اشعار قیصر آمده است، ویژگی‌های مشترک عشق و آزادی با مشابه خود که جاندار است، می‌باشد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به قدرت همراه‌سازی و اراده سرزدن و سفر کردن، و همچنین صاحب اجزایی چون لب و چشم بودن (که مراد جنبه بینایی و گویایی و همان قدرت آگاهی‌بخشی است که وجه مشترک عشق و آزادی و انسان انگاشته شده است) اشاره کرد:

دور کرد و کور کرد عشق را دورباش‌ها و کورباش‌ها

(همان: ۵۸)

بیا مرا بیر ای عشق با خودت به سفر مرا ز خویش بگیر و مرا ز خویش بیر

(همان: ۱۹۲)

با سوز سینه بر لب تفتیده عشق آتش زدی تا سوز آهت را ببوسد

(همان: ۱۹۵)

دیری است دلم چشم به راهت دارد ای عشق، سری به خانه ما نزدی

(همان: ۴۲۷)

سزای پاکی‌ات ای اشک آستینی نیست به سر بلندی‌ات ای عشق آستانی نیست

(همان: ۳۴۷)

۳. عشق همخون است

نگاشت استعاری «عشق همخون است» نیز از دیگر ابداعات قیصر در رابطه با این استعاره مفهومی است. این نگاشت یک بار در بیت زیر از اشعار قیصر به کار رفته است و با بررسی بیشتر این بیت، می‌توان مقصود حقیقی شاعر را دریافت. ابتدا اینکه از نظر معناشناسی شناختی، دو قلمرو مبدأ عینی و مقصد انتزاعی در این مصداق از اشعار قیصر، خواهر (خانواده) و

عشق هستند؛ به بیان دیگر، قیصر عشق را برای دریافتی شایسته در استعاره‌ای مفهومی، به همخون (خواهر) مرتبط می‌سازد. این نگاهت استعاری می‌تواند حداقل دو دلیل داشته باشد. نخست عزیز بودن عشق برای شاعر مانند عضوی از خانواده و در مجموع مقوله علاقه. دوم نه صرفاً نزدیکی و استغراق، بلکه نسبت داشتن همخونی شاعر با عشق و در یک کلام مقوله علاقه و نسب. بنابراین شکی نیست که این استعاره با دقت و ظرافت شاعر شکل گرفته است، اما در نگاهی دیگر به بیت، واژگان و تصاویر مفاهیم نمادین کلان‌تری برای ارائه دارند. مصراع اول که تبادری به مصراع «همه قبیله من عالمان دین بودند» سعدی است، این بار اما قیصر قوم و خویش خود را از قبیله غم می‌داند. همین واژه‌های جمعی قوم و خویش و قبیله کافی است تا برای مفهوم این غم، یا مفهوم نماد عشق که در مصراع بعد خواهد آمد، وجهه و زمینه‌ای جمعی فراهم سازد. قیصر قبیله خود را غم می‌داند و در مصراع بعد عشق را خواهر خویش، و درد را برادر خود معرفی می‌کند و احتمالاً خود نیز فرزند میانی است و چیزی میان عشق و درد و از قبیله غم. مجموع آن زمینه‌سازی اجتماعی، و این مابین عشق و درد بودن، قرائنی است که مخاطب را به معنای غیرمواضع‌له عشق، مایل می‌دارد. طبیعتاً عشق فردی و عاطفه شخصی، خواهر راوی بیت نیست. عشق، عشقی اجتماعی است که اتفاقاً نسبتی خونی با درد و غم نیز دارد. پس همانا این خواهر، این عشق آرمانی و اثری، آزادی است. همان‌طور که شیخ اجل نیز در ادامه مصراعی که پیش‌تر گفته آمد، این مصراع را می‌آورد: «مرا معلم عشق تو شاعری آموخت». تکرار واژه عشق در مصراع دوم بیت سعدی و قیصر، رویکرد اقتباسی این بیت را بیشتر روشن می‌دارد. ضمن این‌که سعدی نیز از قید علم و دین که شغل خانوادگی قبیله‌اش است، رهایی می‌جوید، و خود را شاعر نام می‌نهد، شاعری که به سبب عشق (البته نه لزوماً عشقی اجتماعی چون عشق دوره قیصر) به آزادی و رهایی دست یافته است. بنابراین نگاهت شاعر، ویژگی مشترک میان عشق و خواهر و نتیجتاً آزادی و همخون را می‌توان، علاقه و تعلق مفروض کرد:

قوم و خویش من همه از قبیله غم‌اند عشق خواهر من است، درد هم برادرم

(همان: ۳۸)

۴. عشق تقدیر (کار بی‌چون) است

قیصر در این نگاهت شاعرانه عشق، را تقدیری بی‌چون و چرا می‌انگارد. اگرچه از نظر معناشناسی و مطابق نظریه لیکاف و جانسون تقدیر مبدایی عینی نیست تا بتواند ما را به مقصد انتزاعی عشق رهنمون سازد، اما با اغماض می‌توان تقدیر را مفهومی شناخته شده‌تر برای ذهن مخاطب دانست که خود شاید به واسطه استعاره‌های مفهومی دیگری در ذهن ما ملموس‌تر و محسوس‌تر است. بنابراین باید فرض را بر مبدایت تقدیر و مقصودیت عشق نهاد. پیش‌تر مفهوم دورباش‌ها و کورباش‌ها را نماد ظلم و استبداد معرفی کردیم. در این بیت نیز مقصود از چند و چون و چرا همان است. واژه رها در ابتدای مصراع دوم خود قرینه صارفه‌ای است که باعث صرف نظر ما از مفهوم ظاهری عشق می‌شود. در واقع، عشق همان آزادی است که ما را از قید و بند و چون و چرای ظلم و زور رها می‌دارد. ویژگی‌های مشترک میان مفهوم عشق و آزادی و تقدیر را می‌توان در قطعیت و خلاف‌ناپذیری، و اعتقاد و امید شاعر بر حتمیت آن فرض کرد:

بفرمایید تا این بی‌چرا تر کار عالم - عشق - رها باشد از این چون و چرا و چندهای ما

(همان: ۳۹)

ای عشق، ای سرشت من، ای سرنوشت من تقدیر من غم تو و تغییر تو محال

(همان: ۲۱۱)

۵. عشق سنگ گور است

عشق سنگ گور است، از دیگر نگاشت‌های استعاری و ابداعی قیصر برای تفهیم هرچه بیشتر مفهوم نمادین عشق است. او در بیتی حماسی و پایدارانه، اشاره‌ای به شهدای راه آزادی میهن و ملت دارد، و آنان را سربلندانی می‌داند که عشق سنگ تمام خود را بر خاک گور آنان خواهد نهاد. ایهام ترکیب سنگ تمام که هم مبین سنگ قبر و هم کنایه کار فوق‌العاده است، این مفهوم را بیشتر القا می‌کند که خاک پاک شهیدان راه عشق، حقیقتاً به سنگی معمولی پوشیده و نشان نخواهد شد، بلکه عشق سنگ تمام خود را بر سر آنان می‌گذارد. مفهوم نمادین عشق در این بیت، به صراحت برای مخاطبان مبرهن و واضح است و نیاز به شرح ندارد، اما ویژگی مشترک مابین عشق، آزادی و سنگ گور را باید در پایان دادن و به سرانجام رساندن، سربلند و مفتخر کردن، و ماندگاری و شناساندن و جلوگیری از فراموشی دانست:

آخر دلم با سربلندی می‌گذارد سنگ تمام عشق را بر خاک گورم
(همان: ۶۲)

۶. عشق درد است

نگاشت استعاری «عشق درد است» نیز از دیگر انگاره‌های شاعرانه و مفهومی قیصر به منظور تفهیم استعاره عشق است. استعاره‌ای که در شعر او و معاصرانش، ساحتی نمادین نیز به خود گرفته است. در مصداق زیر از اشعار قیصر امین پور، قلمرو مقصد انتزاعی عشق، در رابطه‌ای مشابهت محور به قلمرو مبدأ حسی درد مرتبط می‌شود، تا مخاطب مفهوم انتزاعی عشق را به خوبی دریافت کند، اما از این استعاره مفهومی گذشته، این عشق چنانچه پیش‌تر هم گفته و مستدل شد، در معنای ظاهری خویش به کار نرفته است. قیصر شاعری اجتماعی است که برای دردها و زخم‌های جامعه رنجورش، جز عشق راه علاجی نمی‌بیند و نمی‌داند. عشقی که خود نیز دردی است بی‌درمان. بنابراین نمی‌توان با نگاهی رمانتیک عشق را در مفهوم و معنای اولیه آن تصور کرد. این عشق اجتماعی همانا آزادی است. ویژگی مشترک عشق، آزادی و درد، در این نگاشت استعاری قیصر را می‌توان در درمانگری، دردبخشی، و رنج و التیام توامان باز دید؛ چه آزادی اجتماعی نیز، مانند درد عشق، همانقدر که آزاردهنده و سهمگین است، همانقدر مبتلابه و حیاتی است:

بجز عشق، دردی که درمان ندارد بجز عشق راه علاجی ندیدم
(همان: ۱۹۷)

۷. عشق داغ است

نگاشت استعاری عشق داغ است، از دیگر ابداعات قیصر در خصوص مفهومی سازی استعاره عشق است. از منظر معناشناسی شناختی، قلمرو مقصد انتزاعی باید برای درک و تفهیم بیشتر به قلمرو مبدا عینی مرتبط شود، اما در این نگاشت استعاری، مفهوم داغ، خود نیز امری عینی نیست، بلکه صرفاً به سبب تعدد استعمال این مفهوم در فرهنگ ایرانی، واژه داغ برای ما ملموس و محسوس‌تر است و می‌توان آن را در حکم عینی فرض کرد. بنابراین قیصر برای تبیین مفهوم عشق، از مفهوم ملموس داغ بهره می‌یابد تا ویژگی‌های مشترک آن نیز به برداشت کامل و مفهومی مخاطب کمک کند. مطابق بیت زیر، قیصر چشم و چراغ خانه خود را، داغ عشق می‌داند. البته در برداشتی می‌توان داغ عشق را ترکیبی اضافی فرض کرد که در این صورت باید بیت زیر را ذیل نگاشت استعاری «عشق جاندار است» بررسی نمود؛ چرا که مرگ و نبود عشق (که طبق فرض اول جاندار است) چشم و چراغ خانه انگاشته شده است، اما در فرضی دیگر می‌توان ترکیب داغ عشق را ترکیبی تشبیهی دانست که در این صورت مفهوم انتزاعی عشق به قلمرو شبه‌عینی داغ مرتبط شده است. نگارنده نیز این نگاشت را بر پایه همین فرضیه اخیر مطرح داشته است، اما مفهوم عشق در این بیت نیز، معنای ظاهری و اولیه آن نیست. هم‌نشینی این واژه در کنار

واژه‌هایی نمادین چون چراغ، خانه، و چشم، عشق را نیز به ساحتی نمادین و مفهومی غیرماوضع‌له وارد می‌کند. خانه از نمادهای پرکاربرد ادبیات پایداری است که مستقیماً در مفهوم وطن و میهن به کار می‌رود. چراغ نیز چون دیگر نمادهای روشنایی‌بخش (از جمله خورشید، ماه، ستاره، آتش، صبح، سپیده) نماد آزادی و پیروزی است، چشم را نیز می‌توان نمادی مجازی از بینش و آزادی دانست. بنابراین قطعاً آنچه شاعر چشم و چراغ میهن خویش اعلام می‌کند، عشق ظاهری نیست، بلکه این آزادی است که مانند داغی سوزان، روشنگر این میهن تاریک مانده و بی‌چراغ است. شاید بر همین اساس است که پیش‌تر فرضیه دوم، یعنی تشبیهی بودن ترکیب داغ عشق را برگزیدیم. داغ ماندگار است، سوزان است و درعین حال تراژیک است و انسان را به تزکیه و کتارسیس وا می‌دارد. بنابراین این ویژگی‌ها را باید برای عشق و آزادی نیز متصور داریم و نداشت استعاره «آزادی داغ است» را نیز پیرو این نداشت مطرح کنیم:

چشم و چراغ خانه ما، داغ عشق بود چشمی که از چراغ بگیرد سراغ کو؟
(همان: ۱۷۸)

۸. عشق تب (هدیان) است

نگاشت استعاره «عشق تب یا هذیان است» نیز از ابداعات قیصر در راستای تبیین مفهوم استعاره عشق است. هرچند هذیان مفهومی نه‌چندان عینی، اما از متعلقات تب و بیماری است، بنابراین محسوس و عینی است. قلمرو مبدا عینی تب در این نگاشت به قلمرو مقصد انتزاعی عشق مرتبط شده است. عشقی که چندان روح و جان شاعر را گرم داشته است که به جای عرق از او آتش می‌تراود. این عشق همان عشق اجتماعی او، یعنی آزادی است که در ویژگی‌هایی چون گرمابخشی و حرارت، به تب، و در ناخودآگاه و غیرارادی بودن به هذیان شبیه انگاشته شده است:

چنان گرم هذیان عشقم که آتش به جای عرق از تبم می‌تراود
(همان: ۱۹۶)

۹. عشق آتش است

نگاشت استعاره «عشق آتش است» از نگاشت‌های پرکاربرد این استعاره در ادب فارسی است. از جمله اولین و معروف‌ترین کاربردهای این نگاشت می‌توان به نی‌نامه مثنوی معنوی اشاره داشت: «آتش عشق است کاندرا می‌فتاد». مطابق این نگاشت دیرین قلمرو مبدا عینی آتش به قلمرو مقصد انتزاعی عشق وصل می‌شود و ویژگی مشترک آن‌ها را می‌توان در سوزندگی و سازندگی، گرمابخشی و نوربخشی، روشنایی-آگاهی و امنیت‌بخشی، و نیز تطهیر و پاک‌کنندگی دانست. البته مفهوم عشق در شعر قیصر و دیگر شاعران معاصر، با عشق الهی و آسمانی مولانا و شاعران عرفانی متفاوت است. هرچند از همان دیرباز هم مفهوم عشق ابعادی نمادین داشته است، اما عشق در شعر امروز عشقی اجتماعی است که بیشترین دلالت آن بر مفهوم آزادی است. بنابراین ویژگی‌های مشترک مذکور در مورد عشق و آتش را باید برای آزادی نیز جاری دانست؛ چراکه مقصود شاعر از این نگاشت اساساً برداشتی این چنین است:

ای عشق از آتش، اصل و نسب داری از تیره دودی، از دودمان باد
(همان: ۲۱۲)

۱۰. عشق سفر است

نگاشت «عشق سفر است» نیز از انگاره‌های استعاره‌ای پرکاربرد در باب عشق است. مطابق این نگاشت، قلمرو مبدا تجربی سفر به قلمرو مقصد انتزاعی عشق منتهی می‌شود. هم‌نشینی و تلاقی واژه عشق در ابیات زیر از اشعار قیصر، با واژگانی چون آغاز، پرواز، یاران، و مرد، این واژه را از معنای اولیه و فردی آن بیرون می‌آورد و به بستری اجتماعی وارد می‌کند. قیصر و شاعران

معاصر از یاران و مردان برای اشاره به شهدای مقدس میهن استفاده می‌کنند. همچنین پرواز نمادی پرکاربرد از آزادی است که همواره در شعر شاعران معاصر کاربرد دارد. بنابراین سفر عشقی که قیصر مدنظر دارد، سفر عشقی مجنون‌وار و انفرادی نیست، بلکه مقصود از این سفر، همان آزادی است که برای رسیدن جامعه و ملتی به ابعاد اجتماعی و سیاسی آن، مردان و یاران بسیاری ابعاد ابدی آن را طی کردند و به درجه رفیع شهادت که آزادی راستین از هرچه بند است، رسیدند. مطابق این نگاهت استعاری ویژگی‌های مشترک عشق، آزادی و سفر را می‌توان در آغاز و پایان پذیری، مبدأ و مقصد داشتن، آموزندگی و سیر و طول داشتن، لذت‌بخشی و موارد مشابه دید:

کسی که نقطه آغاز هرچه پرواز است تویی که در سفر عشق خط پایانی

(همان: ۳۰۴)

یاران سفر عشق به پایان بردند تو مرد نه‌ای هنوز در آغازی

(همان: ۴۳۵)

۱۱. عشق نام است

نگاشت استعاری عشق نام است نیز از ابداعات قیصر برای مفهومی‌سازی نماد عشق است. قیصر مبدأ نام را به مقصد عشق مرتبط می‌کند. عشقی که نه در ساحتی ظاهری و فردی، بلکه در ابعادی نمادین و اجتماعی به مفهومی اجتماعی دلالت دارد که شناساننده شاعر و هم‌نسلانش است. این عشق آزادی است که از منظر شناساندن، سرلوحه و معرف بودن به نام تشبیه شده است:

عشق نام بی‌نشانه است و کس نام دیگری بدان نمی‌دهد

(همان: ۳۱۱)

۱۲. عشق بی‌رحم است

مفهوم نمادین عشق در این بیت، برعکس ابیات پیشین مشخص‌تر است. لاله نماد پرکاربرد و متداول شعر معاصر، به ویژه ادبیات دفاع مقدس است که به شهدا دلالت دارد. خون نیز سمبل شهادت است. حال قیصر از عشق بی‌رحم سؤال می‌کند که بر چه مذهبی است که خون شهدا در چشمش حلال است. طبیعتاً این عشق آزادی است که آن شهید خونس را نثار آن کرده است. بنابراین در استعاره‌ای تشخیصی، عشق انسان بی‌رحمی فرض شده است و قلمرو این مبدأ و مقصد، نگاشت عشق (آزادی) بی‌رحم است را رقم زده است. ویژگی مشترک نیز همان بی‌رحمی، مستلزم و مستحق خون و شهادت بودن است:

بیا و راست بگو چیست مذهبیت ای عشق که خون لاله به چشمت حلال می‌آید

(همان: ۳۹۶)

۱۳. عشق خیابان است

خیابان از دیگر قلمروهای عینی و ابداعی است که قیصر در خصوص نیل به قلمرو مقصد انتزاعی عشق از آن بهره می‌یابد. این خیابان و کوچه باغ سبز، همان راه و مسیر و مکتبی است که او و جامعه‌اش با آن بزرگ شده و از آن خاطره‌ها دارند. خیابان آزادی. ویژگی مشترک مابین سه واژه عشق، آزادی و خیابان نیز، محل حضور و عبور بودن، بستر به مقصد رسیدن بودن است:

مرا به سمت خیابان سبز عشق ببر دلم نشانی آن کوچه باغ را گم کرد

(همان: ۴۰۰)

۱۴. عشق دفتر است

نگاشت استعاری «عشق دفتر است» از دیگر ابداعات قیصر برای مفهومی سازی استعاره عشق است. پیش تر هم گفته شد که شاعران معاصر، به ویژه شاعران مکتب انقلاب، از نمادهای مختلفی چون مکتب، مدرسه، دفتر، کتاب، درس و ... در خصوص تبیین مفهوم آزادی بهره یافته‌اند. در این نگاشت نیز همین موضوع حاکم است. در درجه نخست، عشق خود نماد آزادی است و قلمرو مقصد انتزاعی این استعاره، دوم اینکه برای تبیین و تفهیم آن به قلمرو مبدأ عینی دفتر مرتبط می‌شود، که دفتر خود نیز از نمادهای شاعران انقلاب برای اشاره به مفهوم آزادی است. بنابراین این معادله را از هر طرف بخوانیم پاسخ یکی است: آزادی. افزون بر این، مجاورت عشق با واژگانی چون مرغ و پر که خود نیز نمادهای آزادی هستند، دلالت نمادین واژه عشق بر مفهوم آزادی را دوچندان روشن می‌دارد. ویژگی مشترکی که شاعر در میان عشق، آزادی و دفتر دیده و در پی بیان آن است، شاید قدرت ثبت و ضبط، قابل خواندن و انتقال پذیر بودن و در مجموع ماندگاری است:

آن مرغ که پر زند به بام و در دوست خواهد که دهد سر به دم خنجر دوست
این نکته نوشته‌اند بر دفتر عشق سر دوست ندارد آنکه دارد سر دوست
(همان: ۴۲۸)

۱۵. عشق بذر است

قیصر در مصداق زیر نیز نگاشت «عشق بذر است» را برای تبیین مفهومی عشق به کار می‌گیرد. مطابق نظریه لیکاف و جانسون، در این بیت مبدأ عینی بذر به مقصد انتزاعی عشق دلالت دارد و فرآیند استعاره مفهومی میان این دو قلمرو برقرار است. در نگاشت‌های پیشین نیز بیان شد که عشق در شعر معاصر و اشعار قیصر نماد آزادی است. قیصر معتقد است که آزادی امری بادآورده و انتصابی نیست، بلکه موضوع و نیازی اکتسابی است که باید برای به دست آوردن آن تلاش کرد، درست مثل کاشتن یک بذر که برداشت از آن مستلزم انتظار و ممارست فراوان است. حتی گاه باید برای این برداشت و دسترنج نذر و قربانی نیز داد و بهایی گزاف پرداخت. بنابراین ویژگی مشترک مدنظر شاعر در مورد عشق، آزادی و بذر، قابل کاشت و نتیجتاً قابل برداشت بودن، قدرت رشد و نمو داشتن، اشاعه و تکثیرپذیری است:

چند فصلی کشت بذر عشق کن هرچه قربانی است نذر عشق کن
(همان: ۴۱۲)

۱۶. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل معناشناختی از واژه نمادین عشق در اشعار قیصر امین‌پور به وضوح بیانگر این نکته است که عشق در ادبیات معاصر و نزد شاعران جریان جامعه‌گرای معاصر، به نمادی عمیق و اثرگذار بدل شده است که بیانگر و دال بر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی و ادب‌پایداری، یعنی مقوله آزادی است. در مجموع با بررسی اشعار قیصر امین‌پور، دریافتیم که او مجموعاً سی بار نماد عشق را در مفهوم آزادی استفاده کرده است که از این میان مفهوم عشق با پانزده نگاشت استعاری گوناگون به مفهوم نمادین خود یعنی آزادی دلالت یافته است. از آنجاکه مطابق نظریه لیکاف و جانسون، استعاره‌ها حاصل تجارب محیطی ما هستند، استعاره‌های «عشق» به مثابه «آزادی» در اشعار قیصر را می‌توان به طور کلی به دو دسته استعاره متداول و استعاره ابداعی تقسیم کرد: دسته اول نگاشت‌های متداول و کهن عشق هستند که اغلب براساس تجارب عرفانی و گاه غنایی شعر فارسی در ذهن این شاعر معاصر نیز عیناً حفظ شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نگاشت‌هایی مثل: عشق جاندار است (که از پرکاربردترین نگاشت‌های عشق در شعر فارسی است)، عشق درد است، عشق آتش است، عشق داغ

است، عشق بی‌رحم است (که می‌تواند ذیل همان نگاهت جاندار یا انسان‌انگاری عشق قرار گیرد)، عشق تقدیر است، عشق تب (هذیان) است و عشق سفر است، از پرکاربردترین نگاهت‌های استعاری این مفهوم هستند که در شعر قیصر نیز استفاده شده‌اند. با این تفاوت که در شعر غنایی یا عرفانی، جاندارانگاری، یا آتش بودن، بی‌رحم بودن و دردناک بودن عشق، برای القای مفهوم رمانتیک یا عرفانی واژه عشق استفاده می‌شده، اما در شعر اجتماعی معاصر به‌ویژه اشعار شاعر مورد پژوهش، این نگاهت‌های متداول دیگر آن مفاهیم متداول را تبیین نمی‌کنند، بلکه همه برای دلالت بر مفهومی اجتماعی از عشق، یعنی آزادی به کار رفته‌اند. دسته دوم نگاهت‌های استعاری عشق در شعر قیصر، نگاهت‌های ابداعی هستند که این نگاهت‌ها گاه برخاسته از تجارب فرهنگی اجتماعی شاعر و گاه برخاسته از تجارب شاعرانه فردی اوست. نگاهت‌هایی که به تأثیر از فرهنگ و اوضاع اجتماعی در شعر قیصر تبلور یافته است: عشق سنگ گور است، عشق نام است، عشق خیابان است و عشق بذر است، هستند که هر کدام به نحوی متداعی وقایع سیاسی-اجتماعی روزگار شاعر است. چنانچه نگاهت «عشق سنگ گور است»، به صراحت مبین میزان کشت و کشتارها و تجربه زیسته شاعر از سال‌های جنگ تحمیلی در میان آمار بیدادگر شهیدان راه آزادی میهن است و نگاهت «عشق نام است» نیز شاید بر گمنامی فوج بسیاری از همین شهدا دلالت دارد که اگر چه بی‌نام و نشان هستند، اما همین عشق (که مفهوم اصلی آن آزادی است) نام آن‌هاست. نگاهت «عشق خیابان است» دلالت بر تجربه شاعر از تجمعات انسانی و اعتراضات روزهای انقلاب و حضور مردم عاشق (آزادی‌خواه) در خیابان‌ها دارد و نگاهت «عشق بذر است» نیز به اشاعه و گسترش همین فرهنگ آزادی‌خواهی و انقلاب در میان مردم اشاره می‌کند، اما نگاهت‌های شاعرانه و شخصی قیصر در مفهوم عشق: عشق دستور زبان است، عشق دفتر است، و عشق همخون (خواهر) است، هستند. تجربه قیصر در تحصیل ادبیات فارسی است که عشق و آزادی را در نظر او به دستور زبان شبیه کرده و آن را آموختنی و فراگیر می‌داند. او همچنین در نگاهت «عشق دفتر است»-چنانچه گفته شد- بر اساس تجربه سیاسی-اجتماعی خود در مکتب انقلاب و اسلام است که از نمادها و استعاره‌هایی چون دفتر، مدرسه، مکتب و مانند آن بهره می‌یابد تا آرمان اجتماعی خویش را بیان کند و نیز در نگاهت «عشق خواهر است» قیصر با تلفیقی توأم از هر دو تجربه پیش؛ یعنی تجارب و دریافتش از شعر و ادب فارسی و همچنین تجارب انقلابی خود، بیت مرتبط با این نگاهت استعاری را دقیقاً به تأثیر بیتی از سعدی می‌سراید تا هم آزادی عشق در آن بیت سعدی را ضمانت بگیرد و به مفهوم امروزی خود از آزادی به کار ببرد، و هم با تشبیه عشق (آزادی) به خواهر (همخون) شاید گوشه‌ای از حضور و نقش پررنگ زنان و خواهران جامعه‌اش را در وقایع انقلاب و دفاع مقدس تبیین و پاسداشت کند.

منابع

- ابراهیم‌تبار، ابراهیم (۱۳۹۶). تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیمین بهبهانی. *نشریه ادبیات پایداری*. ۹ (۱۶)، ۲۰-۱.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۲). *نمادپردازی، امر قدسی و هنرها*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نیلوفر.
- امین‌پور، قیصر (۱۴۰۱). *مجموعه اشعار*. تهران: مروارید.
- برادسکی، جوزف (۱۳۷۳). شعر شکلی از مقاومت در برابر واقعیت. ترجمه شهلا شاهسوندی. *مجله شعر*. ۲ (۱۴)، ۵۷-۵۴.
- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۸). *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی: از آغاز تا عصر پهلوی*. ج. ۱. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۷). طرح و توضیح چند سوال درباره مبانی ادبیات پایداری. *نامه پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه کرمان)*. کرمان. ایران.

- جهانگرد، فرانک (۱۳۹۵). تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران. نشریه ادبیات پایداری، ۸ (۱۴)، ۶۱-۷۸.
- چلدویک، چارلز (۱۳۷۵). سمبولیسم. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: مرکز.
- چهرقانی، رضا (۱۳۹۶). ادبیات پایداری در ایران، بازنشاسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها. نشریه ادبیات پارسی معاصر، ۷ (۲)، ۱-۳۳.
- داودی، شکیب (۱۴۰۱). سمبلیسم اجتماعی در اشعار حسین منزوی. هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات ملی. تهران: ایران.
- داودی، شکیب؛ باقریان، ساناز (۱۴۰۰). تحلیل مؤلفه آزادی در اشعار حسین منزوی و قیصر امین‌پور. نهمین کنگره ملی ادبیات پایداری. دانشگاه شهرکرد. شهرکرد. ایران.
- داودی، شکیب؛ صفری، جهانگیر؛ فروزنده، مسعود (۱۴۰۳). پیشنهادی بر دسته‌بندی انواع سمبل. فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، ۱۵ (۶۰)، ۷۵-۱۱۰.
- داودی، شکیب؛ صفری، جهانگیر؛ فروزنده، مسعود (۱۴۰۳). معناشناسی و تحلیل مفهوم «عشق» به مثابه «آزادی» در اشعار حسین منزوی. پژوهش‌های معناشناختی متون ادبی، ۲ (۴)، ۸۰-۱۰۰.
- رستگارفسای، منصور (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی. شیراز: نوید شیراز.
- روشنفکر، کبری؛ زارع برمی، مرتضی؛ قبادی، حسینعلی (۱۳۹۰). گستره عناصر نماد و اسطوره در اشعار سمیح‌القاسم و حسن حسینی. فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ۲ (۶)، ۴۱-۷۲.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۳). ادبیات پایداری. مجله شعر، ۱۲ (۳۹)، ۱-۹.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). بیان. تهران: فردوس.
- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن (۱۳۸۴). فرهنگ نمادها. ج ۱-۵. ترجمه سودابه فضاییلی. تهران: جیحون.
- صفری، جهانگیر؛ ظاهری عبدوند، ابراهیم (۱۳۹۴). بررسی نماد در دیوان ناصر خسرو. دوفصلنامه علوم ادبی، ۴ (۷)، ۱۸۰-۱۴۷.
- صفری، جهانگیر؛ یوسفیان، سودابه (۱۳۸۵). بررسی مقوله آزادی و آزادگی در شعر شاعران مشهور معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهرکرد. شهرکرد. ایران.
- طغیانی، اسحاق (۱۳۸۸). مفهوم آزادی در ادب فارسی. پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، ۱ (۱)، ۱۴۶-۱۳۳.
- علی‌نژاد، مریم؛ آرین‌پور، مهلا (۱۴۰۲). تحلیل شناختی استعاره عشق در غزلیات صائب تبریزی. فصلنامه پژوهش‌های معناشناختی متون ادبی، ۱ (۱)، ۱۷-۴۴.
- فلاحی، صادق (۱۳۹۳). اعتراض اجتماعی در شعر قیصر امین‌پور. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ۴ (۱۱)، ۱۷-۲۴.
- فیروزی، حسین؛ اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم؛ وفایی، عباسعلی (۱۳۹۸). تحلیل نماد شعر پایداری در اشعار احمد شاملو. نشریه ادبیات پایداری، ۱۱ (۲۰)، ۱۵۴-۱۲۵.
- قاسمی، زهرا؛ خراسانی، محبوبه؛ زرقانی، سیدمهدی (۱۳۹۶). تعامل و تقابل استعاره‌های مفهومی «زن» و «مرد» در شعر سیمین بهبهانی. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ۷ (۲۴)، ۶۳-۷۸.
- قلی‌پوری، لیلا؛ مشفق، آرش؛ علیزاده، ناصر (۱۴۰۰). بررسی سیر تحول مؤلفه‌های اجتماعی-سیاسی شعر معاصر از مشروطه تا معاصر. نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ۱۴ (۶۲)، ۱۹۵-۱۸۱.
- کافی، غلامرضا (۱۴۰۰). پیشنهادی برای رج‌بندی گروه-مؤلفه‌های ادبیات پایداری. نشریه ادبیات پایداری، ۱۳ (۲۴)، ۱۶۷-۱۳۷.
- محمدی، علی؛ کولیوند، فاطمه (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی سمبل‌های اجتماعی در سروده‌های امیرھوشنگ ابتهاج. مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، ۳ (۹)، ۱۵۸-۱۳۹.
- محمدی، علی؛ کولیوند، فاطمه (۱۳۹۴). معناشناسی مضمون «عشق» در سروده‌های میرزاده عشقی و نقش آن در بیان مضامین سیاسی-اجتماعی. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ۵ (۱۷)، ۹۱-۱۰۲.

مدرسی، فاطمه؛ کاظم‌زاده، رقیه (۱۳۹۰). آزادی عنصر غالب غزل‌های نمادین منزوی. *نشریه ادبیات پایدار*. ۲ (۳)، ۵۶۴-۵۴۵.

منزوی، حسین (۱۳۹۹). *مجموعه اشعار*. تهران: نگاه.

میرزایی‌الحسینی، سید محمود؛ پورابراهیم، شیرین؛ فتحی ایرانشاهی، طیبه (۱۴۰۲). چگونگی مفهوم‌سازی عشق در دیوان عتره‌ابن شداد با رویکرد شناختی. *فصلنامه پژوهش‌های معناشناختی متون ادبی*. ۱ (۱)، ۱-۱۶.

میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت (۱۳۷۷). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز.

میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶). *واژه‌نامه هنر شاعری*. تهران: کتاب مهناز.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۴). *جویبار لحظه‌ها*. تهران: جامی.

یوسفیان، سودابه؛ صفری، جهانگیر (۱۳۸۵). *بررسی مقوله آزادی و آزادگی در شعر شاعران مشهور معاصر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهرکرد. شهرکرد. ایران.

Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.

Lakoff, G. (1987). *Woman, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. IL: University of Chicago Press.

References

- Alinezhad, M. & Arianpour, M. (2014). Cognitive analysis of the metaphor of love in the Sonnets of Saeb Tabrizi. *Journal of Semantic Research on Literary Texts*. 1 (1), 17-44.
- Aminpour, Q. (2022). *Collection of Poems*. Tehran: Morvarid.
- Basiri, M. (2008). Proposing and explaining some questions about the foundations of sustainability literature. *Sustainability Letter (Collection of papers of the first Sustainability Literature Congress of Kerman University)*. Kerman. Iran.
- Basiri, M. (2009). *Analytical Course of Resistance Poetry in Persian Literature: From the Beginning to the Pahlavi Era*. Vol. 1. Kerman: Shahid Bahonar University of Kerman Publications.
- Brodsky, J. (1994). Poetry as a form of resistance to reality. Shahla Shahsavandi (Trans.). *Poetry Magazine*. 2 (14). 54-57.
- Chadwick, C. (1996). *Symbolism*. Mehdi Sahabi (Trans.). Tehran: Markaz.
- Chehraghani, R. (2017). Sustainability literature in Iran, recognizing components, opportunities and challenges. *Contemporary Persian Literature Journal*. 7 (2), 1-33.
- Chevalier, J. & Gheerbrant, A. (2005). *Dictionary of Symbols*. Vol. 1-5. Sudabeh Fazaili (Trans.). Tehran: Jeyhoon.
- Davoodi, S. & Bagherian, S. (2022). Analysis of the freedom component in the poems of Hossein Manzavi and Qaiser Aminpour. *Ninth National Congress of Sustainable Literature*. Shahrekord University. Shahrekord. Iran.
- Davoodi, S.; Safari, J. & Foruzandeh, M. (2024). Proposal on the classification of symbol types. *Quarterly of Literary Aesthetics*. 15 (60), 75-110.
- Davoodi, S.; Safari, J. & Foruzandeh, M. (2024). Semantics and analysis of the concept of "Love" as "Freedom" in the poems of Hossein Monzavi. *Semantic Research on Literary Texts*. 2 (4), 80-100.
- Davoodi, S. (2003). Social symbolism in the poems of Hossein Manzavi. *Seventh International Conference on the Studies of Languages and Literatures of Nations*. Tehran. Iran.
- Ebrahimitabar, E. (2017). Analysis of the components of resistance literature in the poems of Simin Behbahani. *Persistence Literature Journal*. 9 (16). 1-20.
- Eliade, M. (2013). *Symbolism, the Sacred Order and the Arts*. Mani Salehi Allameh (Trans.). Tehran: Niloufar.
- Fallahi, S. (2014). Social protest in Qaisar Aminpour's poetry. *Quarterly Journal of Language and Lyrical Literature Studies*. 4 (11), 17-24.
- Firoozi, H.; Esmailpour Motlaq, A. & Vafaei, A. (2019). Analysis of the symbol of persistence poetry in Ahmad Shamloo's poems. *Journal of Persistence Literature*. 11 (20). 125-154.
- Ghasemi, Z.; Khorasani, M. & Zarghani, M. (2017). Interaction and contrast of conceptual metaphors of "Woman" and "Man" in Simin Behbahani's poetry. *Quarterly Journal of Language and Lyrical Literature Studies*. 7 (24), 63-78.

- Gholipori, L.; Moshfeghi, A. & Alizadeh, N. (2021). A study of the evolution of socio-political components of contemporary poetry from the Constitutional to the contemporary period. *Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics*. 14 (62), 181-195.
- Jahangard, F. (2016). Analysis of the development of definitions of sustainability literature in Iran. *Sustainability Literature Journal*. 8 (14). 61-78.
- Kafi, G. (2021). A proposal for classifying the groups and components of sustainable literature. *Journal of Sustainable Literature*. 13 (24). 137-167.
- Mirsadeghi, J. & Mirsadeghi, M. (1998). *Dictionary of the Art of Storytelling*. Tehran: Mahnaz Book.
- Mirsadeghi, M. (1997). *Dictionary of the Art of Poetry*. Tehran: Mahnaz Book.
- Mirzaie-Al-Hosseini, M.; Pourebrahim, S. & Fathi-Iranshahi, T. (2013). How to conceptualize love in the Divan of Antara Ibn Shaddad with a cognitive approach. *Quarterly Journal of Semantic Research on Literary Texts*. 1 (1), 1-16.
- Modarresi, F. & Kazemzadeh, R. (2011). Freedom of the dominant element of Manzavi's symbolic ghazals. *Persistence Literature Journal*. 2 (3). 545-564.
- Mohammadi, A. & Kolivand, F. (2012). Analysis and study of social symbols in the poems of Amir Hooshang Ebtehaj. *Bostan Adab Magazine*. 3 (9), 139-158.
- Mohammadi, A. & Kolivand, F. (2015). Semantics of the theme of "Love" in Mirzadeh Eshghi's poems and its role in expressing socio-political themes. *Quarterly Journal of Language and Lyrical Literature Studies*. 5 (17), 91-102.
- Monzavi, H. (2019). *Collection of poems*. Tehran: Negah.
- Rastegarfasaie, M. (1993). *Types of Persian Poetry*. Shiraz: Navid Shiraz.
- Roshanfekar, K.; Zare Barmi, M. & Ghobadi, H. (2009). The range of symbolic and mythical elements in the poems of Samih Al-Qasem and Hassan Hosseini. *Persian Language and Literature Research Quarterly*. 2 (6), 41-72.
- Safari, J. & Yousefian, S. (2006). *Study of the Category of Freedom and Liberty in the Poetry of Famous Contemporary Poets*. Master's Thesis. Shahrekord University. Shahrekord. Iran.
- Safari, J. & Zaheri Abdevand, E. (2015). Study of symbol in Naser Khosrow's Divan. *Journal of Literary Sciences*. 4 (7), 147-180.
- Sangari, M. (2004). Persistence literature. *Poetry Magazine*. 12 (39), 1-9.
- Shamisa, S. (2002). *Bayan*. Tehran: Ferdows.
- Toghyani, E. (2009). The concept of freedom in Persian literature. *Journal of Persian Language and Literature*. 1 (1), 131-146.
- Yahaghi, M. (1995). *Stream of Moments*. Tehran: Jami.